سردر مسجد جورجیر، یادگاری مهجور از آل‌بویه در اصفهان

حکیم اصفهان

شبنم گلزار
کارشناس ارشد صنایع دستی

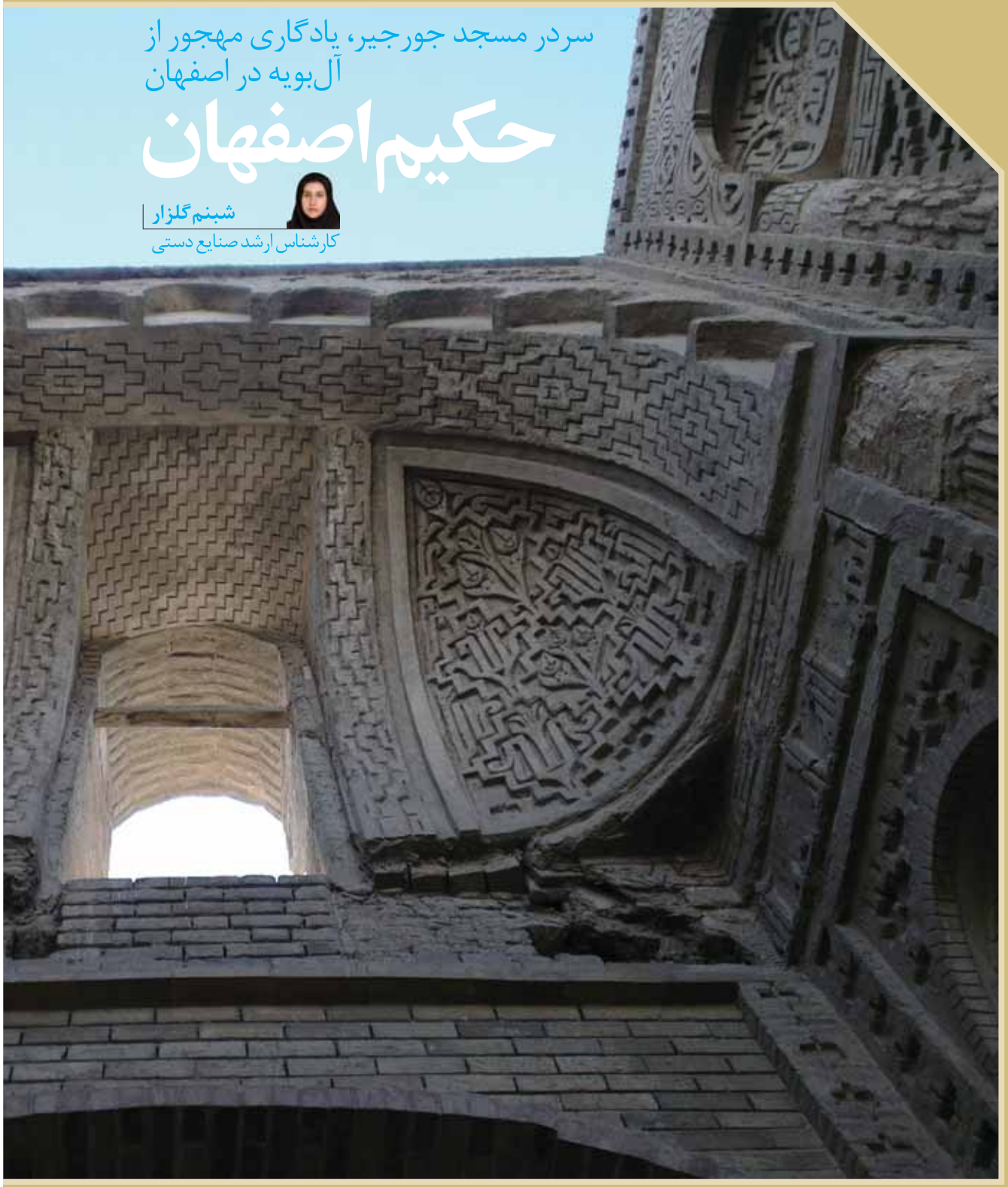

چکیده

در سال ۳۲۸ هجری، اصفهان قلمرو دولت آل‌بویه، از حکومت‌های اولیهٔ ایرانی پس از اسلام، گردید. حسن رکن‌الدوله در توسعه و آبادانی آن بسیار تلاش کرد و بناهایی از جمله بارو، قلعه و مسجد در این شهر ساخته شد. امروزه تنها اثر مهم و به یادگار مانده از آن دوران «سردر مسجد جوروجیر» واقع در ضلع شمالی مسجد حکیم است که آجرکاری زیبای آن از هنر پربار آن دوران حکایت دارد. نقوش متفاوت و آجرکاری و گچ‌بری زیبای این سردر، منظری قابل‌توجه از هنر ایرانی و نقش‌ها و نمادهای به‌کاررفته در آن را پیش چشم می‌آورد. متفاوت و منحصربه‌فرد بودن برخی از نقش‌مایه‌های به کار رفته در تزیین این سردر، از جمله نقشی مانند شمعدان هفت شاخه، غنچه‌های گل شبیه لوتوس و نقش‌هایی که در یک زمان چندین تعبیر می‌توان برای آن‌ها داشت، انگیزهٔ این تحقیق بوده است. یافتن ارتباط بین نقوش استفاده شده در تزیین سردر با مفاهیمی نمادین، دستاورد این جُستار گردید. این تحقیق با روش توصیفی ـ تحلیلی و با هدف مطالعه و بررسی ارزش‌های جاوید هنرهای ایرانی انجام پذیرفته است.

کلیدواژه‌ها: دولت آل‌بویه، معماری، مسجد جورجیر، نقش‌مایه

مقدمه

پس از ورود اسلام به ایران، دگرگونی‌هایی در آثار هنری ایرانی پدید آمد که متأثر از تفکرات و آموزه‌های دینی اسلام بود. این تغییرات، در استفاده از برخی شکل‌های هنری به مقدار بیشتر و کاهش یافتن یا عدم استفاده از برخی فرم‌های دیگر بود. در این بین، نقش‌مایه‌هایی به‌صورت اصلی و به قوت خود از هنر باستان باقی مانده و راه خود را در هنر ایران، هرچند با پاره‌ای تغییرات، ادامه داده‌اند که اغلب نقش‌مایه‌هایی نمادین به‌شمار می‌آیند.

سردر مسجد جورجیر یکی از آثار درخور توجه با تزییناتی نمادین است که از دورهٔ آل‌بویه در اصفهان به‌جا مانده است.

این تنها بازمانده از بنایی سترگ، که دور از نظر و در کوچه‌ای باریک و سایه‌دار همچنان استواری خود را حفظ کرده، ترکیبی از نقش‌مایه‌های مختلف است که هر کدام ویژگی و معنی خاص خود را دارد. در کنار این نقش‌ها، کتیبه‌ای حاوی آیهٔ ۱۸ سورهٔ آل‌عمران به خط کوفی گچ‌بری شده که بیشتر قسمت‌های آن فرو ریخته و از بین رفته است. متن آیه به این شرح است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ وَالْمَلاَئِكَةُ وَأُوْلُواْ الْعِلْمِ قَآئِمًا بِالْقِسْطِ لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛ «خداوند به یکتایی خود گواهی می‌دهد که جز ذات او خدایی نیست و فرشتگان و دانشمندان نیز بر یکتایی او گواه‌اند. او نگهبان عدل و درستی است. نیست خدایی جز او و بر همه چیز توانا و داناست».

این تنها بازمانده از بنایی سترگ، که دور از نظر و در کوچه‌ای باریک و سایه‌دار همچنان استواری خود را حفظ کرده، ترکیبی از نقش‌مایه‌های مختلف است که هر کدام ویژگی و معنی خاص خود را دارد

نقش‌مایه‌ها

دهانهٔ ورودی سردر با تورفتگی نسبت به دیواره‌های درون کوچه، قوسی هلالی بر فراز خود دارد که با یازده کنگرهٔ پیرامون قوس و آجرکاری دو طرف آن، به سبک معماری اندلسی یا مغربی شبیه است. داخل قوس سه سطح وجود دارد که قسمت مرکزی آن ویران شده و دو طرفش دو فرم فیلپوش مخروطی شکل قرار گرفته که با نقش‌مایه‌های زیبا اما متفاوت تزیین شده است.

کاخ الحمرا، اسپانیا

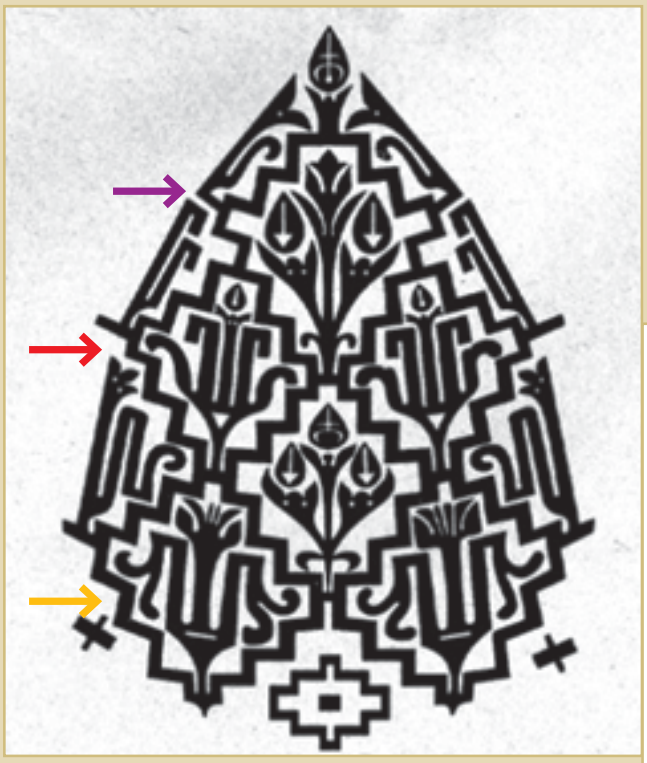

نقش‌مایه درون فیلپوش مخروطی که با رنگ بنفش مشخص شده است در ابتدا فرم دسته‌ای گل با غنچه‌هایی شبیه گل لاله را بازنمایی می‌کند، اما با دقت بیشتر، درمی‌یابیم که قسمت بالای نقش مانند ترازویی است که دو وزنهٔ یکسان را می‌کشد و قسمت پایین فرم، نگه‌دارندهٔ بخش فوقانی است. نقش‌مایه‌ای که با رنگ نارنجی مشخص شده است، باز هم فرم قرینه‌ای دارد که گویی غنچهٔ گلی را در میان گرفته و شاخه‌های دو طرف آن به سمت پایین کشیده شده‌اند. این نقش به گل نیلوفر ـ که به‌شدت هندسی شده است ـ نیز بی‌شباهت نیست. نکتهٔ جالب در این ترکیب‌بندی، نقش‌نمایه‌ای است که با علامت قرمز رنگ مشخص شده و ترکیبی از دو نقش‌مایهٔ ذکرشده است که هم غنچهٔ لاله‌گون را دارد و هم فرم شاخه‌مانند را؛ با این تفاوت که سرشاخه‌ها به سمت بالاست. این نقوش شباهت بسیاری به نقش‌مایه‌های هنر ساسانی دارند، اما با تفاوت در طراحی و ترکیب‌بندی اجرا شده‌اند.

نقش‌مایهٔ متداول دیگری که در تزیین این سردر به کار رفته و به هنر یونان و روم نسبت داده می‌شود، نقش مداخل یا زنجیرهٔ خمپا (meander) است.

در قسمت زیرین زنجیرهٔ خمپا، دو طاق‌نمای کوتاه‌تر با قوسی، هم شبیه به معماری ساسانی و هم معماری مغربی، قرار دارد که در اصطلاح «کلیل‌دار» نامیده می‌شود و با نقش هندسی «لوزی مضرس» (دندانه‌دار) تزیین شده است. این نقش در چندین ستون و زیرطاق‌نماها و اطراف قوس هلالی سردر به شیوه‌های مختلف آجرکاری شده و نمای زیبایی به این سردر بخشیده است. این طرح تزیینی دندانه‌دار، فرمی ساده و در عین‌حال معمول در آجرکاری بناهای ایرانی است که همواره مورد استفاده قرار گرفته است.

مسجد قرطبه، اسپانیا

در دیواره‌های دو طرف سردر، دو طاق نمای دیگر وجود دارد که قوس بالای هر یک با پنج کنگره احاطه شده و قسمت فوقانی قوس با نقش‌های هندسی گچ‌بری شده است. درون این قوس‌ها، گچ‌بری‌هایی شبیه به حروف و کلمات عبری و پهلوی کارشده که معنای آن‌ها مورد سؤال است؛ هرچند برخی از آن‌ها را تا حدودی می‌توان طرحی از کلمهٔ «الله» دانست.

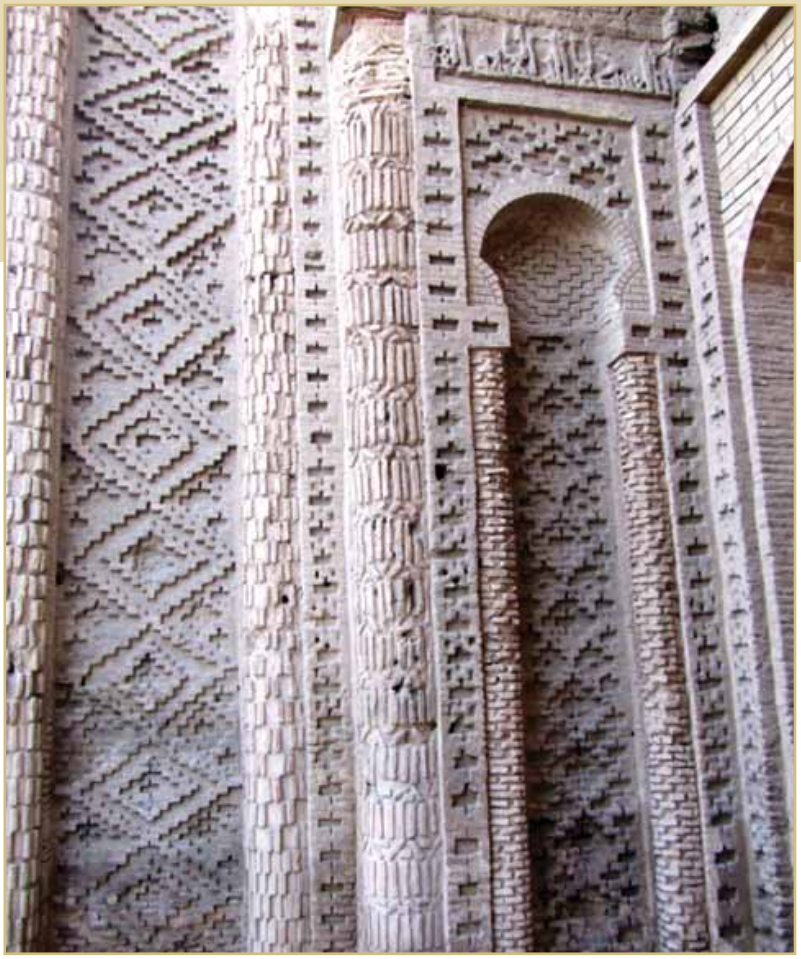

در فاصلهٔ بین ستون‌های دیواره‌های داخل کوچه، نقش‌مایه‌هایی مورد استفاده قرار گرفته است که در نوع خود و در هنر ایران، کم‌نظیرند.

یکی از این نقش‌مایه‌ها، لوزی مضرس تودرتویی است که به شاخه‌ای متصل شده و شبیه به خوشهٔ انگور است. این فرم را به شکل طبیعی در برخی از آثار هنر ساسانی می‌توان یافت.

طاق بستان

نقش دیگری شبیه به نقش‌مایهٔ فوق با تفاوت‌هایی در تزیینات این سردر دیده می‌شود که آن را نیز می‌توان نمایی از درخت زندگی دانست. نقش برگ در این طرح بیشتر به بال تبدیل شده که در هنر ساسانی، نمونه‌های آن بسیار یافت می‌شود. در قسمت پایین طرح نیز فرم درخت نخل را می‌توان دید.

قسمت بالای طرح فوق، نقش برگ پیچانی است که بخشی از آن رو به پایین قرار دارد و بخش دیگر مانند دو دست، فرم غنچه مانندی را در میان گرفته و بسیار شبیه به گچبری‌های طاق بستان است.

متصل به این نقش، نقش‌مایهٔ دسته‌ای چندشاخه کار شده است که گویی مانند پایه‌ای، غنچه‌های لاله را بر روی خود دارند. ترکیب کلی این طرح، نقش باستانی درخت زندگی را به یاد می‌آورد.

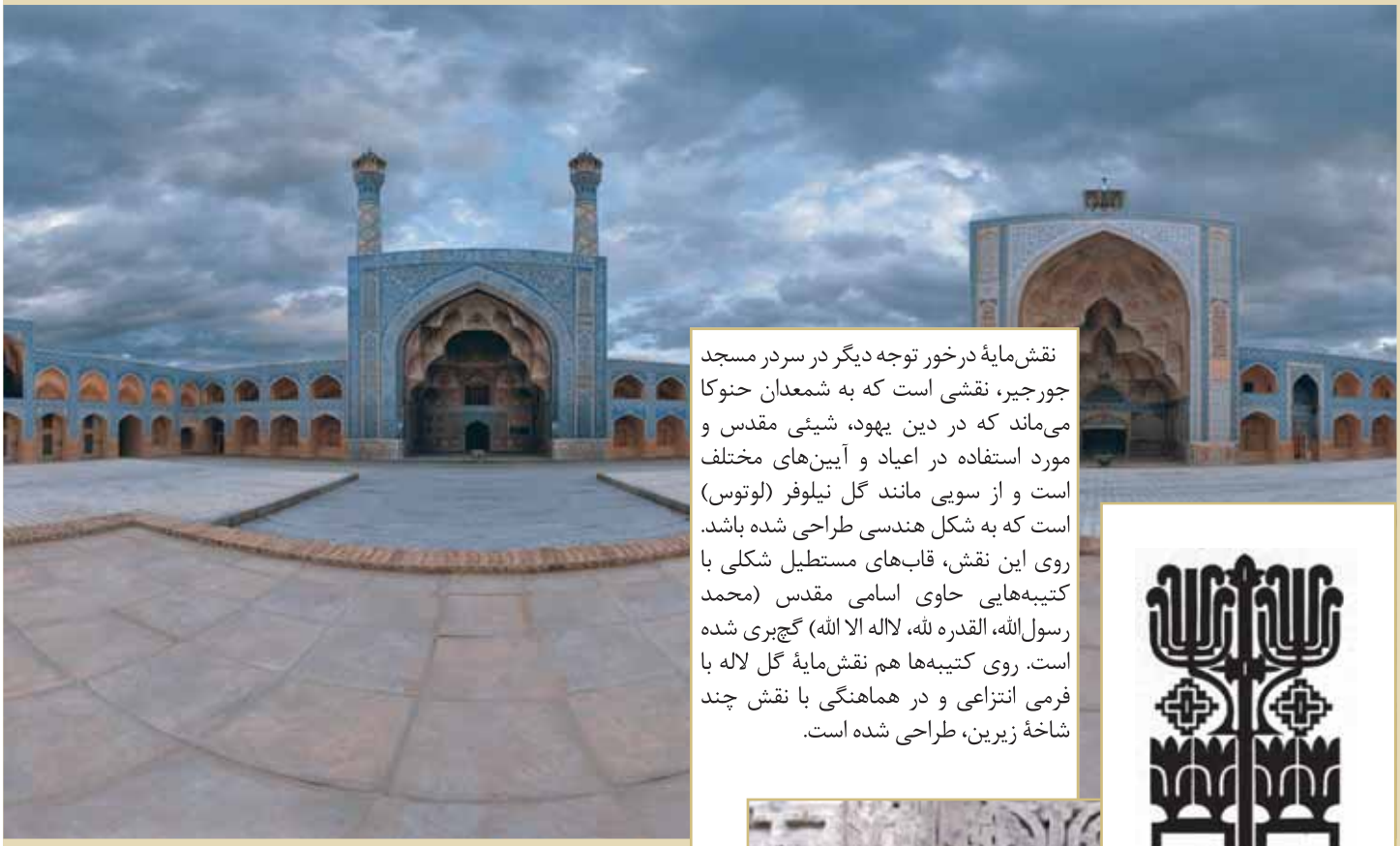

نقش‌مایهٔ درخور توجه دیگر در سردر مسجد جورجیر، نقشی است که به شمعدان حنوکا می‌ماند که در دین یهود، شیئی مقدس و مورد استفاده در اعیاد و آیین‌های مختلف است و از سویی مانند گل نیلوفر (لوتوس) است که به شکل هندسی طراحی شده باشد. روی این نقش، قاب‌های مستطیل شکلی با کتیبه‌هایی حاوی اسامی مقدس (محمد رسول‌الله، القدره لله، لااله الا الله) گچ‌بری شده است. روی کتیبه‌ها هم نقش‌مایهٔ گل لاله با فرمی انتزاعی و در هماهنگی با نقش چند شاخهٔ زیرین، طراحی شده است.

نقش‌مایهٔ دیگری که فرم آشنای آن در هنر ایران باستان و بین‌النهرین موجود است، گل انار است که البته برخی از پژوهشگران آن را به پرنده تشبیه می‌کنند.

عکس: محمد یزدی راد

جمع‌بندی

مسجد جورجیر که با توجه به متون تاریخی، مسجد جامع صغیر هم نامیده می‌شده است، در زمان صدارت صاحب‌بن عباد، از عالمان و اندیشمندان عصر، و گویا به دستور وی ساخته شده و دارای مدارس و خانقاه و محل‌هایی برای بحث و گفت‌وگو بوده است. در آثار حکومت‌های اولیهٔ پس از اسلام در ایران، هنوز می‌توان ردپای هنر و نقش‌مایه‌های هنر باستان را مشاهده کرد؛ زیرا هنرمندان تغییری نکرده‌اند و آموزه‌هایشان همچنان همان است که در گذشته به یاد داشته‌اند. از این رو در بناها و هنرهای مستظرفهٔ اوایل اسلام نقش‌ها، یا همان نقش‌های هنری ایران باستان و به‌خصوص دورهٔ ساسانی هستند و یا با دخل و تصرفی اندک، به‌روز شده‌اند. پس، سبب نیست که در تزیین سردر مسجد جورجیر، شاهد نقش‌هایی از این گونه هستیم، اما نکتهٔ درخور توجه در این باره، نوعی طراحی و شیوهٔ ترکیب نقش‌مایه‌هاست.

نخستین نکته در این باره، قرار گرفتن این بنا در منطقه‌ای است که بیشتر ساکنان آن یهودی بوده‌اند و وجود نقش‌مایهٔ شمعدان، که در گچ‌بری این سردر دیده می‌شود و همچنین حروف و کلماتی شبیه به الفبای عبری، شاید به همین علت بوده است.

نقش دیگر که شبیه به ترازویی در حالت اعتدال است، ایزدمهر را به یاد می‌آورد. کتیبهٔ قرآنی سردر نیز به یکتایی خداوند و حمایت او از عدل و درستی، اشاره دارد.

نقش درخت زندگی، گل انار و لوتوس از باورهای باستانی و ریشه‌دار بین‌النهرین و ایران می‌آیند که همچنان قدرت خود را در هنر معاصر نیز حفظ کرده‌اند. استفاده از برگ‌های پیچانی که مانند دست این نقش‌ها را نگه داشته و حفاظت می‌کنند، حاکی از اهمیت باور به اسطوره‌های پیشینیان است.

با توجه به این تفسیرها، بنای جورجیر تنها یک مسجد نبوده و احتمالاً پذیرای مردم با اعتقادات و آداب و فرهنگ‌های گوناگون در محفلی برای گفت‌وگوهای مسالمت‌آمیز بوده است که با توجه به شخصیت حامی ساخت این بنا، دور از ذهن نمی‌تواند باشد.

از طرفی هوشمندی فراوان طراح تزیینات این بنا شایستهٔ تقدیر بسیار است؛ او که با هنرمندی تمام چنان تغییری در نقش‌ها داده است که هم تازگی دارند و هم معانی مورد قبول گذشتگان خود را در دل حفظ کرده‌اند.

منابع

۱. نصراصفهانی، غلامرضا. (۱۳۸۵). خیال خاک: نقش سردر مسجد جورجیر اصفهان. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، دفتر مطالعات تصویری.

۲. مبلیان، الهه و قباد کیانمهر. (۱۳۹۳). مطالعهٔ تطبیقی نقش‌مایه‌های سردر مسجد جورجیر در عصر آل بویه با نقوش آثار عصر ساسانی. دو فصلنامهٔ علمی ـ پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، ش ۲۰، صص ۵۷ـ ٤٤.